

Abstract

In recent years, the country's economic policies in the framework of economic development programs are moving towards privatization, and the transfer of activities to the private sector requires individuals to establish various companies and carry out business activities. Have reduced the government's ownership of economic affairs. A company is formed when two or more people intend to form it, so their intention is the criterion for formation, but in terms of administrative rules and regulations, it is necessary to go through several steps to establish a company or institution so that the company is on paper. To be written and registered in the offices of the Companies Registration Office. Article 20 of the Commercial Code divides the types of commercial companies into seven types: 1 joint stock companies 2 limited liability companies 3 cooperatives 4 joint stock companies 5 non-joint stock companies 6 relative companies 7 production and consumption cooperatives The registration of such companies in Tehran is the responsibility of the registration office Companies and in the city is in the central registration office. In this research, an attempt has been made to address the conditions for forming commercial companies and not registering them legally.

Keywords: commercial companies, registration, non-registration, Article 20

بررسی وضعیت حقوقی شرکت های تجاری قبل از ثبت

ابراهیم جلیل پیران¹مهدی امینی²

تاریخ دریافت: 1401/4/10

تاریخ پذیرش: 1401/6/7

چکیده

در سال های اخیر سیاست های اقتصادی کشور در چهارچوب برنامه های توسعه اقتصادی به سوی خصوصی سازی گام بر می دارد و واگذاری فعالیت ها به بخش خصوصی مستلزم آن است که افراد به تأسیس شرکت های مختلف مبادرت نمایند و با انجام فعالیت های تجاری در نظر گرفته شده باعث کاهش تصدی گری دولت در امور اقتصادی شوند این مهم بر عهده اداره ثبت شرکت ها مؤسسات غیر تجاری است تا شرکت ها با طی مراحل اداری مطابق مقررات و مواد قانونی به ثبت برسند .

شرکت از زمانی تشکیل می شود که دو یا چند نفر قصد تشکیل آن را داشته باشند بنابراین قصد و نیت ایشان ملاک تشکیل است اما از نظر مقررات و ضوابط اداری طی نمودن مراحل چند جهت تأسیس یک شرکت یا مؤسسه ضروری است تا این شرکت بر روی کاغذ نوشته شود و در دفاتر اداره ثبت شرکت ها ثبت گردد.

ماده 20 قانون تجارت انواع شرکت های تجاری را به هفت قسم تقسیم می کند 1 شرکت های سهامی 2 شرکت با مسئولیت محدود 3 تضامنی 4 مختلط سهامی 5 مختلط غیر سهامی 6 شرکت نسبی 7 شرکت تعاونی تولید و مصرف که ثبت این نوع شرکت ها در تهران بر عهده اداره ثبت شرکت ها و در شهرستان در اداره ثبت مرکزی است. در این تحقیق سعی شده است به شرایط تشکیل شرکت های تجاری و عدم ثبت آنها از لحاظ حقوقی پرداخته شود.

واژگان کلیدی: شرکت های تجاری، ثبت، عدم ثبت، ماده 20

¹ دانشجوی حقوق شرکت های تجاری دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری (علوم قضایی تهران)² استادبار گروه حقوق دانشگاه شهرکرد

هرگاه در تشکیل شرکت سهامی عام یا خاص، مقررات قانونی مراعات نشود، بنا به درخواست هردینفع، دادگاه پس از رسیدگی، حکم بطلان شرکت را صادر خواهد کرد. بدین ترتیب رعایت نکردن هریک از مقرراتی که در مورد تشکیل و ثبت شرکت سهامی عام یا خاص وجود دارد، موجب بطلان آن خواهد شد. بطلان مزبور هرگز نمی‌تواند در حقوق اشخاص ثالث مؤثر باشد و مؤسسين و مدیران و بازرسان و صاحبان سهام شرکت، نمی‌توانند در مقابل اشخاص مذکور، به این بطلان استناد نمایند. (پاسبان، 1398: 45) در مورد شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی، قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مورخ 1377/7/5، مقرر می‌دارد که آنها موظفند اساس نامه خود را با این قانون تطبیق دهند و پس از تأیید وزارت تعاون تغییرات اساس نامه خود را به عنوان تعاونی به ثبت رسانند. در غیر این صورت از مزایای مربوط به بخش تعاونی و این قانون برخوردار نخواهند شد. (پاکدامن، 1397: 76) عدم تشکیل شرکت سهامی ممکن است به سبب عوامل متعددی باشد. با توجه به تفاوت‌هایی که در تأسیس شرکت‌های سهامی عام و خاص وجود دارد، عدم تشکیل این شرکت‌ها نیز می‌تواند متفاوت باشد. در شرکت سهامی عام، عدم ثبت شرکت تا قبل از پذیره‌نویسی نتایج حقوقی مشخصی را به همراه ندارد. اما پس از انجام پذیره‌نویسی، عدم تشکیل شرکت و یا ثبت آن تبعاتی دارد که فراتر از مؤسسان خواهد بود. در این بین پذیره‌نویسان نیز در تشکیل یا عدم تشکیل شرکت ذینفع محسوب می‌شوند. ماده 19 (ل. ا. ق. ت) در خصوص تشکیل نشدن شرکت سهامی مقرر می‌دارد: «در صورتی که شرکت تا شش ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه مذکور در ماده 6 این قانون به ثبت نرسیده باشد به درخواست هر یک از مؤسسين یا پذیره نویسان مرجع ثبت شرکت‌ها که اظهارنامه به آن تسلیم شده است گواهی نامه‌ای حاکی از عدم ثبت شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تأدییه وجوه در آن به عمل آمده است ارسال می‌دارد تا مؤسسين و پذیره‌نویسان به بانک مراجعه و تعهدنامه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت هرگونه هزینه‌ای که برای تأسیس شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد به عهده مؤسسين خواهد بود.» در این ماده از پذیره‌نویسان حمایت شده است. بدین شکل که اگر شرکت تا شش ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه تشکیل نشود هر پذیره‌نویس قادر خواهد بود به اداره ثبت شرکت‌ها مراجعه و گواهی عدم ثبت شرکت را دریافت و سپس از بانک مربوط مبلغ پرداختی خود را مسترد کند. ضمناً تمام هزینه‌های مربوط به شرکت در شرف تأسیس به عهده مؤسسين می‌باشد. البته قانونگذار در این ماده، حق رجوع به مرجع ثبت شرکت‌ها را منحصر به پذیره نویسان ندانسته است، بلکه بر طبق نص ماده موصوف، مؤسسان نیز از چنین حقی برخوردارند. این امر از آن جهت قابل دفاع به نظر می‌رسد که عدم تشکیل شرکت همیشه در نتیجه اهمال و تقصیر مؤسسات حادث نمی‌شود، بلکه ممکن است به دلایلی سرمایه مقرر پذیره‌نویسی نشود یا مجمع عمومی مؤسس تشکیل نشود یا تشکیل شود لیکن قادر به اتخاذ تصمیم نشود، که در هر یک از شرایط پیش گفته باید حق درخواست عدم تشکیل شرکت را برای همه سرمایه‌گذاران به رسمیت شناخت. که در این مقاله سعی شده به دلایل عدم ثبت و ثبت شرکت و اعمال حقوقی در این باره پرداخته شود.

ثبت شرکت‌های سهامی

یکی از شارحان قانون تجارت، در باب ثبت شرکت‌ها عبارات و بیانات خواندنی و جالبی دارد که جا دارد در مقدمه بحث ثبت شرکت‌ها به آنها اشاره شود. ایشان می‌فرمایند: «همانطوری که طفل در موقع تولد احتیاج به اعلام و اخذ شناسنامه دارد، شرکت تجاری که دارای شخصیت مستقل از شرکاء می‌باشد، در موقع تأسیس باید به اداره ثبت اعلام گردد تا در دفاتر ثبت شرکتها ثبت گردد و تأسیس شرکت به اطلاع عموم برسد. همانطوری که شناسنامه، طفل را بدنیا نمی‌آورد، ثبت شرکت نیز طبق قانون تجارت ایران مولد شخصیت حقوقی نیست، بلکه ثبت شرکت تأیید وجود شرکت است که از قبل تأسیس شده و شخصیت حقوقی پیدا کرده است...» (حائری، 1396: 456) هرچند شرکت تجاری برای افتتاح حساب باید در مرجع ثبت شرکت‌ها به ثبت برسد و صرف تصویب اساسنامه و انتخاب مدیران برای اموری چون افتتاح حساب کفایت نمیکند و در عمل شرکت تجاری برای ایجاد شخصیت حقوقی نیازمند ثبت است.

مستنداً به قانون ثبت در صورتی که ملکی ثبت نگردد، دعاوی مرتبط با آن در محاکم مسموع نخواهد بود. حال اگر قرار داد بیعی واقع گردد اما ملک موضوع قرارداد ثبت نشود، قرار داد بیع واقع نشده است؟ یا آنکه ثبت لازم است اما وارد در ارکان عقد نمی‌شود؟ در پاسخ باید گفت چنین عقد بیعی صحیحاً واقع شده است اما عدم ثبت آن ضمانت اجرا خواهد داشت. همین مسئله در خصوص تشکیل شرکت تجاری نیز می‌تواند حاکم باشد. زیرا اصل بر آزادی اراده است و یکی از مواردی که می‌تواند آزادی اراده را محدود سازد قانون است. اما در خصوص زمان ایجاد شخصیت حقوقی شرکت تجاری قانون ساکت می‌باشد. بنابراین به نظر می‌رسد بنابر اصل آزادی اراده در ایجاد اثر حقوقی، باید گفت شرکت به اراده موسسین شخصیت حقوقی می‌یابد. و همانند همان رویه ای که در مقررات ثبتی حاکم است، در حقوق تجارت هم ثبت شرکت‌های تجاری لازم است.

مسئله قابل ذکر دیگر آن است که در مواقع سکوت قانون تجارت باید به قانون مدنی یا همان قانون مادر رجوع نمود. در این خصوص به دلیل آنکه قانون ساکت است با توجه به عمومات قانون مدنی عقد به ایجاب و قبول منعقد میگردد. بنابراین ایجاد شخصیت حقوقی شرکت باید موکول به اراده طرف‌های عقد باشد. شرکت سهامی نیز همانند سایر شرکت‌های تجاری الزاماً باید ثبت شود. از این رو در گفتار پیش رو که مشتمل بر دو بند است. ابتدا به ثبت شرکت سهامی عام پرداخته می‌شود و سپس مراحل ثبت شرکت سهامی خاص مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ثبت شرکت سهامی عام

متعاقب تشکیل مجمع عمومی مؤسس و اتخاذ تصمیمات منطبق با وظایف قانونی آن مجمع، مدارک و صورتجلسه مجمع به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم خواهد شد. ماده 18 (ل. ا. ق. ت) این مرحله را به شرح ذیل توصیف کرده است:

«اساسنامه‌ای که به تصویب مجمع عمومی مؤسس رسیده به ضمیمه صورت جلسه مجمع و اعلامیه قبولی مدیران و بازرسان جهت ثبت شرکت به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم خواهد شد.»

البته در این ماده، هیچ‌گونه اشاره‌ای به شخص یا اشخاصی که موظف به ارائه مدارک به دایره ثبت شرکت‌ها می‌باشد، نشده است ولی به طور معمول مراجعه اداره مزبور و انجام امور ثبت شرکت با هیات مدیره منتخب مجمع عمومی مؤسس و یا نمایندگان تعیین شده در مجمع مذکور برای این منظور است. البته با عنایت به اینکه در صورت عدم ثبت شرکت هزینه‌های معموله بر عهده مؤسسين بوده و مسئولیت آنان در خسارات ایجاد شده، تضامنی می‌باشد، در هر صورت ثبت شرکت از وظایف مؤسسين است. در هر حال «خود شرکت و در واقع، مدیران، رئیس هیات مدیره یا احیاناً مدیرعامل باید تقاضای ثبت بدهند.» (حسنی، 1397: 56)

برای ثبت شرکت سهامی عام در عمل، مدارک ذیل مطالبه می‌شود:

- دو نسخه اظهارنامه؛
- دو نسخه اساسنامه؛
- دو نسخه صورتجلسه مجمع عمومی مؤسسين؛
- دو نسخه صورتجلسه هیات مدیره (تعداد مدیران حداقل 5 نفر می‌باشد)؛
- آگهی دعوت مجمع مؤسسين در روزنامه تعیین شده؛
- فتوکپی شناسنامه مدیران (در مورد اشخاص حقوقی ارائه برگ نمایندگی الزامی است)؛
- گواهی بانکی مبنی بر واریز حداقل 35 درصد سرمایه شرکت؛
- ارائه مجوز یا موافقت اصولی یا مجوز از مراجع ذیصلاح در صورت نیاز. (حسینی نژاد، 1398: 67)

ثبت شرکت سهامی خاص

بر طبق ماده 20 (ل. ا. ق. ت) برای شرکت سهامی خاص کافی است اظهارنامه‌ای به انضمام مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم شود:

- 1- اساسنامه شرکت که باید به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد؛
- 2- اظهارنامه‌ای مشعر بر تعهد کلیه سهام و گواهینامه بانکی حاکی از تأدیه قسمت نقدی آن که نباید کمتر از 35 درصد کل سهام باشد. این اظهارنامه باید به امضای تمام سهامداران رسیده باشد. چنانچه تمام یا قسمتی از سرمایه به صورت غیر نقد باشد باید تمام آن تأدیه شود و صورت تقویم آن به تفکیک در اظهارنامه منعکس شده باشد و اگر سهام ممتازه وجود داشته باشد باید شرح امتیازات و موجبات آن در اظهارنامه منعکس شده باشد.
- 3- انتخاب اولین مدیران و بازرسی یا بازرسان شرکت که باید در صورتجلسه‌ای قید و به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد.
- 4- قبول سمت مدیریت و بازرسی با رعایت قسمت اخیر ماده 17.
- 5- ذکر نام روزنامه کثیرالتشاری که هرگونه آگهی راجع به شرکت تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد. تبصره این ماه نیز صراحتاً اعلام می‌دارد که قیود و شرایط دیگری که در این قانون برای ثبت شرکت‌های سهامی عام مقرر است در خصوص شرکت‌های سهامی خاص، ضروری نیست.

بنابراین در صورتی که بخواهیم تشریفات تشکیل شرکت سهامی خاص را نسبت به شرکت سهامی عام به طور موجز و مختصر بیان کنیم، باید بگوییم: «در شرکت سهامی خاص اولاً تشریفات پذیره نویسی وجود

ندارد؛ ثانياً ورقه تعهد وجود ندارد؛ ثالثاً تشکیل مجمع عمومی مؤسس لازم نیست. «(خزاعی، 1395: 67)

علی‌هذا در دوائر ثبت شرکت‌ها در عمل مدارک ذیل از متقاضیان مطالبه می‌شود:

- 1- دو برگ اظهارنامه شرکت سهامی خاص و تکمیل آن و امضای ذیل اظهارنامه توسط کلیه سهامداران؛
- 2- دو جلد اساسنامه شرکت سهامی خاص و امضای ذیل تمام صفحات آن توسط کلیه سهامداران؛
- 3- دو نسخه صورتجلسه مجمع عمومی مؤسس که به امضای سهامداران و بازرسین رسیده باشد؛
- 4- دو نسخه صورتجلسه هیات مدیره که به امضای مدیران منتخب مجمع رسیده باشد؛
- 5- فتوکپی شناسنامه کلیه سهامداران و بازرسین؛
- 6- ارائه گواهی پرداخت حداقل 35٪ سرمایه شرکت از بانکی که حساب شرکت در شرف تأسیس در آنجا باز شده است. لازم به تذکر است، در صورتی که مقداری از سرمایه شرکت، آورده غیر نقدی باشد، ارائه تقویم نامه کارشناس رسمی دادگستری الزامی است و در صورتی که اموال غیرمنقول جز سرمایه شرکت قرار داده شود ارائه اصل سند مالکیت ضروری است.
- 7- ارائه مجوز در صورت نیاز، بنا به اعلام کارشناس اداره ثبت شرکت‌ها.

8- عدم رعایت شرایط مقرر در تأسیس و تشکیل شرکت سهامی

ضمانت اجراهای عدم رعایت قواعد مربوط به تشکیل شرکت سهامی را می‌توان از دو منظر مورد بررسی قرار داد. ضمانت اجراهایی که نتیجه آن، عدم تشکیل شرکت یا بطلان شرکت است و ضمانت اجراهایی که متوجه کسانی می‌شود که عدم تشکیل شرکت یا بطلان آن حاصل اقدامات آنان است. اقدامات دست‌اندرکاران تشکیل شرکت که ممکن است مسئولیت‌های مدنی و کیفری به همراه داشته باشد، از آن جمله‌اند.

دلایل مختلفی ممکن است عدم تشکیل شرکت سهامی را سبب شوند. با توجه به تفاوت‌هایی که در تأسیس شرکت‌های سهامی عام و خاص وجود دارد، عدم تشکیل این شرکت‌ها نیز می‌تواند متفاوت باشد. در شرکت سهامی عام، عدم ثبات شرکت تا قبل از پذیره‌نویسی نتایج حقوقی مشخصی را به همراه ندارد. اما پس از انجام پذیره‌نویسی، عدم تشکیل شرکت و یا ثبت آن تبعاتی دارد که فراتر از مؤسسان خواهد بود. در این بین پذیره‌نویسان نیز در تشکیل یا عدم تشکیل شرکت ذینفع محسوب می‌شوند.

تشکیل نشدن شرکت سهامی ممکن است به دلایل زیر حادث شود:

- عدم دعوت از مجمع مؤسس؛
 - عدم حصول حد نصاب لازم برای انعقاد مجمع مؤسس؛
 - عدم حصول اکثریت قانونی لازم برای تصمیم‌گیری در جلسه مجمع مؤسس.
- هر یک از حالت فوق‌الذکر به تنها برای عدم تشکیل و ثبت شرکت سهامی عام مکفی است. همان‌طور که مشاهده می‌شود حالات مذکور تنها در خصوص عدم تشکیل مجمع عمومی مؤسس و یا عدم حصول حد نصاب‌ها و اکثریت‌های لازم است لیکن ممکن است این مجمع مطابق شرایط قانونی تشکیل شود و با رعایت تشریفات قانونی تصمیماتی را اتخاذ کند ولی به دلیل اهمال افرادی که می‌بایست اسناد و مدارک لازم برای ثبت شرکت را به مرجع ثبت شرکت‌ها ارائه کنند و انقضای بیش از 6 ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه اولیه و استرداد وجوه پرداختی از سوی هر یک از مؤسسان و پذیره‌نویسان، هرگز شرکت به ثبت نرسد.

ماده 19 (ل. ا. ق. ت) در این خصوص مقرر می‌دارد:

«در صورتی که شرکت تا شش ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه مذکور در ماده 6 این قانون به ثبت نرسیده باشد به درخواست هر یک از مؤسسين یا پذيره نویسان مرجع ثبت شرکت‌ها که اظهارنامه به آن تسلیم شده است گواهی نامه‌ای حاکی از عدم ثبت شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تأدیة وجوه در آن به عمل آمده است ارسال می‌دارد تا مؤسسين و پذيره نویسان به بانک مراجعه و تعهدنامه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت هرگونه هزینه‌ای که برای تأسیس شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد به عهده مؤسسين خواهد بود.»

در این ماده از پذیره نویسان حمایت شده است. بدین شکل که اگر شرکت تا شش ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه تشکیل نشود هر پذیره نویس قادر خواهد بود به اداره ثبت شرکت‌ها مراجعه و گواهی عدم ثبت شرکت را دریافت و سپس از بانک مربوط مبلغ پرداختی خود را مسترد کند. ضمناً تمام هزینه‌های مربوط به شرکت در شرف تأسیس به عهده مؤسسين می‌باشد.

البته قانونگذار در این ماده، حق رجوع به مرجع ثبت شرکت‌ها را منحصر به پذیره نویسان ندانسته است بلکه بر طبق نص ماده موصوف، مؤسسان نیز از چنین حقی برخوردارند. این امر از آن جهت قابل دفاع به نظر می‌رسد که عدم تشکیل شرکت همیشه در نتیجه اهمال و تقصیر مؤسسات حادث نمی‌شود بلکه ممکن است به دلایلی سرمایه مقرر پذیره نویسی نگردد یا مجمع عمومی مؤسس تشکیل نشود یا تشکیل شود لیکن قادر به اتخاذ تصمیم نشود، که در کدام از شرایط پیش گفته باید حق درخواست عدم تشکیل شرکت را برای همه سرمایه‌گذاران به رسمیت شناخت.

در شرکت سهامی خاص نیز می‌توان مواردی را برای عدم تشکیل شرکت برشمرد. این موارد به شرح ذیل می‌باشند:

- استتکاف یکی از مؤسسين از امضای اساسنامه، اظهارنامه و... که موجب شود تا تعداد سهامداران به کمتر از سه نفر کاهش یابد؛
- عدم ارائه اسناد به مرجع ثبت شرکت‌ها؛
- نقص در ارائه اسناد به مرجع ثبت شرکت‌ها و عدم رفع نقض آنها؛
- انصراف یکی از مؤسسين که سبب شود به هر دلیلی مؤسسين دیگر نیز تأسیس شرکت منصرف شوند.

حیات حقوقی شرکت سهامی

دوران فعالیت یک شرکت از آن جهت حائز اهمیت است که مؤسسين و سهامداران در آن برهه زمانی می‌توانند به اهداف خود از ایجاد شرکت بیندیشند و گام در وادی فعالیت تجاری نهند و در صورت موفقیت از عواید حاصل از فعالیت شرکت بهره‌مند شوند. برای نیل به موفقیت در این راه، شرکت و اداره‌کنندگان آن باید به قوانین ناظر بر شرکت‌های سهامی احترام گذارده و آنها را به نحو احسن رعایت کنند. در این بین نقش هیأت مدیره، مدیرعامل و بازرسان بسیار شایان توجه است. هیأت مدیره و مدیرعامل از آن جهت که اداره کننده شرکت هستند و بازرسان یا بازرسان از جهت آنکه بر اقدامات دست‌اندرکاران شرکت نظارت می‌کنند. اگر مدیران و بازرسان در انجام وظایف محوله قانونی، قصور ورزند یا مرتکب تخلفی شوند، از جهت مدنی و کیفری مسئول خواهند بود.

هیأت مدیره

شرکت‌های سهامی توسط هیأت مدیره، اداره می‌شوند. در این مورد در لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب 1347 تصریح وجود دارد. به موجب ماده 107 ل. اخیرالذکر: «شرکت سهامی به وسیله هیأت مدیره‌ای که بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می‌باشند. اداره خواهد شد...» حکم قانونگذار در این خصوص امری است و از آن نمی‌توان عدول کرد. همچنین این حکم در باب شرکت‌های سهامی عام و خاص لازم‌الاتباع است و هر یک از شرکت‌های سهامی اعم از سهامی عام و سهامی خاص باید توسط هیأت مدیره منتخب، اداره شوند.

ترکیب هیات مدیره

عده اعضای هیات مدیره در شرکت‌های سهامی عام به موجب قانون مشخص شده است. به موجب ماده 107 (ل. ا. ق. ت) شمار اعضای هیات مدیره شرکت‌های سهامی عام نباید از پنج نفر کمتر باشد. در مورد عده اعضای شرکت‌های سهامی خاص در قانون تجارت حکم خاصی وجود ندارد مگر در ماده 3 این قانون که مقرر می‌دارد: «در شرکت سهامی تعداد شرکا نباید از سه نفر کمتر باشد» برخی از اساتید حقوق تجارت ایران، بر این باورند که مفهوم این حکم آن است که شمار اعضای هیات در شرکت سهامی خاص نباید از سه نفر کمتر باشد. (دمرچیلی، 45:1398) بعضی دیگر از اساتید، به رغم آنکه این تعداد اعضاء را برای عضویت در هیات مدیره شرکت سهامی خاص پذیرفته‌اند ولی استدلال دیگری را مطرح کرده‌اند. به زعم آنان برداشت فوق‌الذکر از ماده 3 از بنیاد دفاعی قابل قبولی برخوردار نیست و باید به دنبال مبنای دیگری در این رابطه باشیم. زیرا ماده 3 تنها به تعداد سهامداران شرکت سهامی اشاره نموده است. با عنایت به این نکته که هیات مدیره حداقل باید از یک رییس و یک نایب رییس تشکیل شود، اعضای این هیأت در شرکت سهامی خاص نمی‌تواند از دو نفر کمتر مقرر شود، مضافاً بر اینکه، با توجه به نظر قانونگذار به تشکیل و تصمیم‌گیری در هیات مدیره بر مبنای اکثریت که در مواد مختلف قانون و از جمله مواد 121 و 122 ذکر شده است، در صورتی که اعضای هیات مدیره به دو نفر محدود شود دیگر اکثریت معنایی نخواهد داشت و همیشه اتفاق آراء ضروری خواهد بود. از این رو تعداد اعضای هیات مدیره شرکت سهامی خاص چه از جهت عملی و اجرایی و چه از حیث تفسیری که از مقررات قانونی ارائه شد، نباید کمتر از سه عضو باشد. به خصوص با در نظر گرفتن این نکته که اتخاذ تصمیم در هیات مدیره‌ای که دو عضو دارد با مشکل مواجه است.

نحوه اداره هیأت مدیره

هیات مدیره در شرکت‌های سهامی معمولاً از چند نفر تشکیل می‌شود که برای اداره شرکت انتخاب می‌شوند و در اکثر موارد تصمیمات اتخاذ شده در خصوص امور اداری و تصدی شرکت باید به تصویب اعضای هیات مدیره برسد. در ایران معمولاً هر یک از مدیران تصدی بخشی از امور شرکت را به عهده می‌گیرند. (دوستی، 67:1396)

بر طبق ماده 120 (ل. ا. ق. ت) رییس هیات مدیره موظف است که اعضای این هیات را برای حضور در جلسات دعوت و جلسات هیات مذکور را اداره کند. البته یک سوم اعضای هیات مدیره نیز در صورتی که از تاریخ تشکیل آخرین جلسه هیات مذکور حداقل یک ماه گذشته باشد با ذکر دستور جلسه هیات مدیره را

به موجب ماده 121 ل. اخیرالذکر حد نصاب رأی‌گیری و جلسات هیات مدیره به شرح زیر می‌باشد:

«برای تشکیل جلسات هیات مدیره حضور بیش از نصف اعضای هیات مدیره لازم است. تصمیمات باید با اکثریت آرای حاضرین اتخاذ گردد مگر آنکه در اساسنامه اکثریت بیشتری مقرر شده باشد.»

عدم رعایت تشریفات فوق موجب بطلان تصمیماتی می‌شود که در هیات مدیره اتخاذ شده است و هر ذینفع بر طبق ماده 270 می‌تواند ابطال این تصمیمات را از مرجع ذیصلاح قضایی بخواهد.

جلسه هیات مدیره با قید ساعت و روز و محل و دستور جلسه با حضور اعضای تشکیل و تصمیمات اتخاذ شده و نظرات اعضای (در صورت لزوم) در صورتجلسات هیات مدیره منعکس و باید به امضاء حاضرین برسد.

در صورتی که عضوی از امضاء کردن امتناع ورزد، مقام دعوت‌کننده موضوع را با مسئولیت خود در صورتجلسه منعکس می‌نماید. چنانچه برخی از اعضای هیات مدیره با تمام یا برخی از تصمیمات اتخاذ شده مخالف باشند نظر یا نظرات آنان باید در صورتجلسه قید شود. برای تنظیم صورتجلسات فوق‌الذکر، قانون تجارت روش خاصی را پیش‌بینی نکرده لیکن جهت تفکیک مسئولیت‌ها شایسته است هیات مدیره دفتر خاصی را تهیه و ضمن شماره‌گذاری صفحات آنرا مههور به مهر شرکت نماید.

فلذا مدیرانی که در جلسات حضور نداشته باشند و یا مخالف تصمیمات و اقدامات هیات مدیره باشند، مسئولیتی در قبال تصمیمات زیانبار مدیران دیگر نخواهند داشت. با این حال، اگر غیبت مدیری سبب فراهم شدن شرایطی جهت اتخاذ تصمیمات زیانبار شود و یا غیبت آن مدیر دائمی باشد، به زعم یکی از اساتید حقوق تجارت می‌توان او را از نظر مدنی، مسئول دانست. (ستوده، 1398:76)

بازرسان

بازرسان افرادی هستند که برای نظارت و بازرسی امور شرکت گمارده می‌شوند. قانونگذار برای کنترل اداره امور شرکت، نهاد بازرسی را پیش‌بینی کرده است تا بازرس یا بازرسان به نمایندگی از سوی سهامداران بدون دخالت در امر مدیریت شرکت، عملیات و معاملات شرکت را از طریق رسیدگی به ترازنامه، دفاتر، صورت‌حسابها، مدارک و اسناد کنترل کنند.

در مقررات مربوط به شرکت‌های، تنها برای شرکت‌های سهامی وجود نهاد بازرسی الزامی دانسته شده است. دیگر شرکت‌ها، البته به جز شرکت با مسئولیت محدود با یک استثناء و شرکت‌های مختلط سهامی مختار به داشتن بازرس قانونی هستند.

در حقوق، بازرسان برد و نوع هستند: 1- بازرسان انتخابی؛ 2- بازرسان حسابها که گروه اخیرالذکر از طرف سهامداران وظیفه دارند تا در شرکت برخلاف مقررات عملی ارتکاب نیابد. تمام کتب حقوق تجارت عنوان «کنترل‌کننده» را بر بازرس نهاده‌اند، چرا که بازرسان، کنترل ترازنامه و حسابهای شرکت و... را به عهده دارند. «مفتش» عنوانی بود که در قانون تجارت مصوب 1311 به «بازرس» داده شده بود.

جایگاه حقوقی بازرسان

همان‌گونه که مبحث مربوط به تأسیس شرکت ذکر شد، نخستین بازرس یا بازرسان در شرکت سهامی عام توسط مجمع عمومی مؤسس و در شرکت سهامی خاص به وسیله مؤسسات انتخاب می‌شوند لیکن پس از تشکیل و ثبت شرکت، انتخاب و برکناری بازرسان در حیطه صلاحیت مجمع عمومی عادی است. در هر صورت به موجب ماده 144 هر شرکت سهامی باید از حداقل یک بازرس برخوردار باشد. ضمناً براساس ماده 146 مجمع عمومی عادی باید یک یا چند بازرس علی‌البدل انتخاب کند تا در صورت معذوریت یا فوت یا استعفاء یا سلب شرایط یا عدم قبول سمت توسط بازرس جهت انجام وظیفه نظارت و بازرسی از آنان دعوت بعمل آید.

البته در چند مورد استثنائی که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود، بازرسان توسط دادگاه انتخاب می‌شوند:¹

- در صورتی که مجمع عمومی بازرس معین نکرده باشد؛
 - در صورتی که یکی یا چند نفر از بازرسان به دلایلی نتوانند گزارش دهند؛
 - در صورتی که یک یا چند نفر از بازرسان از دادن گزارش امتناع کنند.
- ماده 147 نیز موارد ممنوعیت از بازرس شدن را مطرح کرده است. مطابق این ماده اشخاص مذکور در ماده 111 این قانون، مدیران و مدیرعامل شرکت، اقربای سببی و نسبی مدیران و مدیرعامل تا درجه سوم از طبقه اول و دوم و کسانی که خود یا همسرانشان از مدیران و مدیرعامل شرکت حقوق دریافت می‌کنند، نمی‌توانند به سمت بازرسی شرکت انتخاب شوند.

همچنین قانونگذار در ماده 266 ضمانت اجرای زندان و جزای نقدی را برای کسانی که با وجود منع قانون، آگاهانه سمت بازرسی را در شرکت سهامی بپذیرند پیش‌بینی کرده است.

علاوه بر این مطابق ماده 152 قانون مذکور اگر مجمع عمومی بدون دریافت گزارش بازرس یا براساس گزارش اشخاصی که از بازرسی منع شده‌اند، صورت‌داری و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت را مورد تصویب قرار دهد، این تصویب از نظر قانونی بلااثر و بی اعتبار خواهد بود. ضمناً با عدم رعایت مقررات این ماده از طرف مجمع عمومی، هر ذینفع می‌تواند با استناد به ماده 270 بطلان تصمیم مجمع را از دادگاه درخواست نماید.

ضمانت اجرای دیگری که در این قانون و در ماده 259 آن پیش‌بینی شده این است که اگر رییس و اعضای هیات مدیره شرکت به صورت عمدی در مواقعی که باید بازرسان انتخاب شوند، مجمع عمومی را دعوت نکنند به حبس یا جزای نقدی و یا هر دو محکوم می‌شود.

ماده 144 قانون مذکور مدت ماموریت بازرس یا بازرسان را یک سال تعیین کرده است. البته انتخاب مجدد بازرس یا بازرسان بلامانع است. اگر مدت ماموریت بازرس یا بازرسان تمام شود ولی بازرس یا بازرسان جدید انتخاب نشده باشند می‌توان با توجه به ماده 136 همین قانون که مقرر می‌دارد: «در صورت انقضای مدت، مدیران تا زمان انتخاب مدیران جدید کماکان مسئول امور شرکت و اداره آن خواهند بود»، بقا و دوام ماموریت بازرس یا بازرسان مذکور را استنباط کرد. برخی از حقوقدانان با توسل به اتحاد طریق حکم ماده 136 را به بازرسان نیز تعمیم داده‌اند و اعلام کرده‌اند که در صورت اتمام ماموریت آنان و عدم انتخاب

1- ماده 153 (ل. ا. ق. ت)

وظایف و اختیارات بازرسان

قانونگذار برای بازرس یا بازرسان از یک طرف تکالیف و وظایف و از طرف دیگر اختیارات و حقوقی را در موارد مختلف قانونی پیش‌بینی کرده است که بررسی آنها مندرجات این بخش از تحقیق را تشکیل می‌دهد.

وظایف بازرس

وظیفه اصلی بازرسان، اطمینان از صحت انجام امور و اداره شرکت و برخورد با هرگونه تخلف از طریق اطلاع رسانی به مجمع و در صورت ضرورت اعلام به مرجع قضایی صلاحیتدار است.

مطابق ماده 148 بازرس یا بازرسان مکلفند در خصوص صحت و سقم صورت دارایی و صورتحساب دوره عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه‌ای که مدیران برای تسلیم به مجمع عمومی تهیه می‌کنند؛ به اظهار نظر پردازند. همچنین آنان به موجب ماده 149 می‌توانند از نظر کارشناس استفاده کنند. در هر صورت بازرس یا بازرسان باید از این که حقوق سهامداران به صورت قانونی و مطابق اساسنامه رعایت شده باشد، اطمینان حاصل کنند. حال اگر مدیران و مدیرعامل عالماً عامداً مانع یا مخل انجام وظایف بازرسان شرکت شوند یا اینکه اسناد و مدارکی که بازرسان از آنان مطالبه می‌کنند در اختیار آنان قرار ندهند بر اساس ماده 260 ل.اخیرالذکر به حبس تادیبی یا جزای نقدی و یا هر دو محکوم خواهند شد.

وظیفه دیگر بازرس یا بازرسان آگاه ساختن سهامداران و اطلاع رسانی به مقامات قضایی در مورد موارد مختلف است که در اینجا به آنها پرداخته می‌شود.

گزارش بر طبق ماده 150 موظفند تا گزارشی از وضع شرکت تهیه و به مجمع عمومی عادی تسلیم کنند. ضمناً بازرس یا بازرسان مکلفند براساس ماده 129، گزارش معاملات ممنوعه بین شرکت و هر کدام از مدیران یا مدیرعامل را تنظیم و نظر خود را در این خصوص به مجمع عمومی عادی ارائه کنند. بازرسان باید گزارشاتی را به مجمع عمومی فوق‌العاده ارائه کند که عبارتند از: گزارش راجع به افزایش سرمایه شرکت (موضوع ماده 161)، گزارش راجع به کاهش سرمایه شرکت (موضوع ماده 191) و نیز گزارش در باب ضرورت سلب حق تقدم سهامداران در صورت افزایش سرمایه (موضوع ماده 167). علاوه بر این بازرس یا بازرسان باید هرگونه تخلف یا تقصیر مدیران و مدیرعامل شرکت را به مجمع عمومی اطلاع دهند.

همچنین اگر بازرس یا بازرسان در ضمن انجام مأموریت خویش از وقوع جرمی مطلع شوند، باید مراتب را به مرجع قضایی صلاحیتدار اطلاع دهند.

اختیارات بازرسان

براساس ماده 63 قانون تجارت مصوب 1311 (منسوخ) بازرسان فقط در ظرف سه ماه پیش از تاریخی که به موجب اساسنامه شرکت برای انعقاد مجمع عمومی معین شده بود، اختیار آن را داشتند تا به دفاتر شرکت مراجعه کنند و از عملیات آن تحقیقاتی را به عمل آورند، لیکن در لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب 1347 اختیارات بیشتری به بازرسان اعطا شد به نحوی که آنان هر زمان صلاح بدانند می‌توانند به اسناد و مدارک شرکت مراجعه کرده و آنها را مورد بررسی قرار دهند. (عرفانی، 1398: 67)

مجامع عمومی شرکت‌های سهامی

ماده 73 (ل. ا. ق. ت) مجامع عمومی شرکت‌های سهامی را براساس حدود اختیارات و صلاحیتی که دارند و وظایفی که به عهده می‌گیرد، به مجمع عمومی مؤسس، مجمع عمومی فوق‌العاده و مجمع عمومی عادی تقسیم کرده است.

مجمع عمومی مؤسس

از نظر قانونگذار مجمع عادی در تمام امور شرکت بجز مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی مؤسس و فوق‌العاده است، می‌تواند تصمیم‌گیری کند. فلذا صلاحیت مجمع عمومی مؤسس و فوق‌العاده استثنایی بر اصل کلی صلاحیت مجمع عمومی عادی محسوب می‌شود.

بر این اساس صلاحیت مجمع عمومی مؤسس محدود به موارد احصاء شده در ماده 74 است و این مجمع کلیه اقدامات لازم برای تأسیس و ثبت شرکت را انجام می‌دهد و با ثبت و تأسیس شرکت دیگر وظیفه‌ای به عهده ندارد. صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده نیز محدود به مواردی است که در ماده 83 احصاء شده که عبارتند از:

- تغییرات در اساسنامه؛
- تغییرات در سرمایه (افزایش یا کاهش)؛
- انحلال شرکت قبل از موعد.

مجمع عمومی مؤسس با توجه به صدر ماده 82، لایحه خاص شرکت‌های سهامی عام است و این مجمع در شرکت‌های سهامی خاص تشکیل نمی‌شود.

مجمع عمومی مؤسس توسط مؤسسين و با رعایت مقررات مادتين 97 و 98 (ل. ا. ق. ت) از نظر انتشار آگهی دعوت و تشریفات مربوط به دعوت تشکیل می‌شود و پیش از تشکیل آن رعایت مقررات موضوع مادتين 99 و 100 نیز ضروری است. پس از تشکیل مجمع عمومی مؤسس، نخست نسبت به تعیین هیات ریسه مجمع موضوع ماده 101 اقدام می‌شود و هیات ریسه مجمع با توجه به کل سرمایه و تعداد کل سهام و صورت حاضرین در مجمع که در اجرای مقررات مواد 16 و 99 تهیه شده است و با توجه به مقررات ماده 75 نسبت به رسمیت یا عدم رسمیت جلسه اتخاذ تصمیم خواهد کرد.

نکته دیگر در باب رسمیت جلسات مجمع عمومی مؤسس است. ماده 75 حد نصاب رسمیت جلسه را حضور عده دانسته که حداقل نیمی از سرمایه شرکت را تعهد کرده باشند. اگر در دعوت اول نصاب مذکور حاصل نشد، دو دعوت دیگر به عمل می‌آید که در هر دعوت حضور عده‌ای که حداقل یک سوم کل سرمایه شرکت را دارا باشند، ضروری می‌باشد و در نهایت اگر باز هم در دعوت سوم نصاب رسمیت جلسه حاصل نشود در این صورت شرکت، تشکیل نشده محسوب می‌شود و پذیره‌نویسان می‌توانند طبق ماده 19 مبلغ پرداختی خود را بابت پذیره‌نویسی مسترد دارند.

یکی از اساتید در کتاب حقوق تجارت خویش از دو مجمع دیگر علاوه بر مجمع فوق‌الذکر نام برده‌اند. نخست مجمع عمومی مختلط که مجمعی است که برای شور و بررسی موضوعاتی که بعضی در صلاحیت مجمع عمومی عادی و بعضی دیگر در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده است، تشکیل می‌شود.

دیگری «مجمع خاص» نام دارد که مجمعی است که صاحبان سهام دارای نوع به خصوصی از حقوق پیش

از تشکیل مجامع عمومی عادی یا فوق العاده تمام صاحبان سهام تشکیل می دهند.

ماده 93 (ل.ا.ق.ت) در این مورد مقرر می دارد: «در هر موقعی که مجمع عمومی صاحبان سهام بخواهد در حقوق نوع مخصوصی از سهام شرکت تغییر بدهد تصمیم مجمع قطعی نخواهد بود، مگر بعد از آنکه دارندگان این گونه سهام در جلسه خاصی آن تصمیم را تصویب کنند و برای آن که تصمیم جلسه خاص مذکور معتبر باشد باید دارندگان لااقل نصف این گونه سهام در جلسه حاضر باشند و اگر در این دعوت این حد نصاب حاصل نشود در دعوت دوم حضور دارندگان اقل یک سوم این گونه سهام کافی خواهد بود. تصمیمات همواره با اکثریت دو سوم آراء معتبر خواهد بود.» به باور ایشان منظور مقنن از حقوق نوع مخصوصی از سهام حقوق صاحبان سهام است که هرگاه مجمع عمومی بدون رعایت مقررات مذکور تصمیمی اتخاذ کند می تواند ابطال تصمیم مجمع را از دادگاه صلاحیتدار تقاضا کند.

مجمع عمومی عادی

مجمع عمومی عادی ممکن است سالانه یا به طور فوق العاده تشکیل جلسه دهد.

مقررات حاکم بر مجمع عمومی عادی سالانه و مجمع عمومی عادی فوق العاده یکسان می باشد لیکن مجمع عمومی فوق العاده با مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده از جهات بسیاری تفاوت ماهوی دارد. به موجب ماده 86 (ل.ا.ق.ت) اصل بر صلاحیت اتخاذ تصمیم مجمع عمومی عادی در کلیه امور شرکت می باشد. این مجمع نیز از اجتماع صاحبان سهام تشکیل می شود. مجمع عمومی عادی اگر بعد از انقضاء سال مالی و در هنگامی که در اساسنامه پیش بینی شده، تشکیل شود آن را مجمع عمومی عادی سالانه نامیده اند و اگر در سایر موارد در طول سال و در مواقعی که مقتضی باشد تشکیل شود آن را مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده گویند.

بر طبق صدر ماده 87 (ل.ا.ق.ت) برای آن که هیات ریسه مجمع عمومی عادی بتواند رسمیت جلسه را اعلام نماید حضور دارندگان اقلاً بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند ضروری است. در نوبت دوم جلسه مجمع عمومی عادی با حضور هر عده از صاحبان سهامی که حق رأی دارند رسمیت می یابد. منتهی این عده نباید از سه نفر کمتر باشد زیرا در این صورت عنوان مجمع بر افراد حاضر صدق نمی کند و اخذ تصمیم غیرممکن می شود.

به موجب ماده 88 در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره با اکثریت نصف به علاوه یک آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی کافی خواهد بود.

مجمع عمومی فوق العاده

در طول فعالیت یک شرکت از آغاز تا پایان، مجمع عمومی فوق العاده صرفاً به منظور اخذ تصمیم در اموری که طبق ماده 83 (ل.ا.ق.ت) در صلاحیت آن مجمع می باشد تشکیل می شود. این مجمع نیز از اجتماع صاحبان سهام شکل می گیرد.

برای رسمیت یافتن جلسات مجمع عمومی فوق العاده، ماده 84 لازم الرعایه می باشد. این ماده حد نصاب رسمیت جلسه این مجمع را بیان کرده است که به شرح ذیل در دو مرحله به عمل می آید:

- دعوت اول با حضور عده ای لازم است که حداقل بیش از نصف کل سهام را دارا می باشند؛
- دعوت دوم با حضور عده ای که بیش از یک سوم کل سهام شرکت را دارند تشکیل می شود. در

دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید می‌شود.

همچنین وفق ماده 85 ل.ا.خیرالذکر تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده همواره به اکثریت دو سوم آرای حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود.

نتیجه‌گیری

قانون‌گذار در مواد 270 به بعد لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب 1347، نظام حقوق خاصی برای بطلان شرکت سهامی مقرر کرده است، این امر بدان معنا نیست که در صورت رعایت نکردن مقررات عام قرار دادها (مثل مقررات راجع به اهلیت و رضا) در تشکیل شرکت سهامی، شرکت باطل نخواهد بود. شرکت سهامی علاوه بر پیروی از مقررات خاص مندرج در لایحه قانونی مذکور، تابع مقررات عام انعقاد قراردادها نیز خواهد بود؛ در حقوق ایران، برخلاف حقوق کشور فرانسه و بسیاری از کشورهای دیگر، برای ایجاد شرکت سهامی عام، ثبت آن در اداره ثبت شرکت‌ها ضرورت ندارد و همین که شرکا اراده به تأسیس آن کردند و مقررات مندرج در مواد 5 تا 17 لایحه قانونی 1347 را رعایت نمودند، شرکت تشکیل می‌شود.

تشکیل نشدن شرکت سهامی ممکن است به دلایل ذیل باشد:

- عدم دعوت از مجمع مؤسس؛
- عدم حصول حد نصاب لازم برای انعقاد مجمع مؤسس؛
- عدم حصول اکثریت قانونی لازم برای تصمیم‌گیری در جلسه مجمع مؤسس.

هر یک از حالت‌های فوق‌الذکر به تنهایی برای عدم تشکیل و ثبت شرکت سهامی عام کفایت می‌کند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، حالات مذکور تنها در خصوص عدم تشکیل مجمع عمومی مؤسس و یا عدم حصول حد نصاب‌ها و اکثریت‌های لازم است، لیکن ممکن است این مجمع مطابق شرایط قانونی تشکیل شود و با رعایت تشریفات قانونی تصمیماتی را اتخاذ کند، ولی به دلیل اهمال افرادی که می‌بایست اسناد و مدارک لازم برای ثبت شرکت را به مرجع ثبت شرکت‌ها ارائه کنند و انقضای بیش از 6 ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه اولیه و استرداد وجوه پرداختی از سوی هر یک از مؤسسان و پذیره‌نویسان، هرگز شرکت به ثبت نرسد.

ماده 19 (ل. ا. ق. ت) در خصوص تشکیل نشدن شرکت سهامی مقرر می‌دارد:

«در صورتی که شرکت تا شش ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه مذکور در ماده 6 این قانون به ثبت نرسیده باشد به درخواست هر یک از مؤسسین یا پذیره‌نویسان مرجع ثبت شرکت‌ها که اظهارنامه به آن تسلیم شده است گواهی نامه‌ای حاکی از عدم ثبت شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تأدیه وجوه در آن به عمل آمده است ارسال می‌دارد تا مؤسسین و پذیره‌نویسان به بانک مراجعه و تعهدنامه و وجوه پرداختی خود را مسترد

دارند. در این صورت هرگونه هزینه‌ای که برای تأسیس شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد به عهده مؤسسين خواهد بود.»

در این ماده از پذیره‌نویسان حمایت شده است. بدین شکل که اگر شرکت تا شش ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه تشکیل نشود هر پذیره‌نویس قادر خواهد بود به اداره ثبت شرکت‌ها مراجعه و گواهی عدم ثبت شرکت را دریافت و سپس از بانک مربوط مبلغ پرداختی خود را مسترد کند. ضمناً تمام هزینه‌های مربوط به شرکت در شرف تأسیس به عهده مؤسسين می‌باشد.

البته قانونگذار در این ماده، حق رجوع به مرجع ثبت شرکت‌ها را منحصر به پذیره نویسان ندانسته است، بلکه بر طبق نص ماده موصوف، مؤسسان نیز از چنین حقی برخوردارند. این امر از آن جهت قابل دفاع به نظر می‌رسد که عدم تشکیل شرکت همیشه در نتیجه اهمال و تقصیر مؤسسات حادث نمی‌شود، بلکه ممکن است به دلالتی سرمایه مقرر پذیره‌نویسی نشود یا مجمع عمومی مؤسس تشکیل نشود یا تشکیل شود لیکن قادر به اتخاذ تصمیم نشود، که در هر یک از شرایط پیش گفته باید حق درخواست عدم تشکیل شرکت را برای همه سرمایه‌گذاران به رسمیت شناخت.

در شرکت سهامی خاص نیز می‌توان مواردی را برای عدم تشکیل شرکت برشمرد. این موارد به شرح ذیل می‌باشند:

- استتکاف یکی از مؤسسين از امضای اساسنامه، اظهارنامه و... که موجب شود تا تعداد سهامداران به کمتر از سه نفر کاهش یابد؛
- عدم ارائه اسناد به مرجع ثبت شرکت‌ها؛
- نقص در ارائه اسناد به مرجع ثبت شرکت‌ها و عدم رفع نقض آنها؛
- انصراف یکی از مؤسسين که سبب شود به هر دلیلی مؤسسين دیگر نیز تأسیس شرکت منصرف شوند.

منابع و ماخذ

1. پاسبان، محمدرضا، حقوق شرکت‌های تجاری، انتشارات سمت، چاپ اول، 1398.
2. پاکدامن، رضا، حقوق شرکت‌های تجاری، انتشارات خرسندی، چاپ اول، 1397.
3. حائری شاهباغ، سید علی، شرح قانون مدنی، جلد 1، کتابخانه گنج دانش، چاپ سوم، 1396.
4. حسینی، حسن، حقوق تجارت مشتمل بر کلیه مباحث، نشر میزان، چاپ ششم، 1397.

5. حسینی نژاد، حسین قلی، مسئولیت مدنی، انتشارات سمت، 1398.
6. خزاعی، حسین، حقوق تجارت شرکت‌های تجارتهی، نشر قانون، چاپ اول، جلد 2، 1395.
7. دمرچیلی، محمد، حاتمی، علی و قرائی، محسن، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، انتشارات خلیج فارس، چاپ اول 1398.
8. دوستی، نصرت ا...، راهنمای ثبت شرکت‌های تجارتهی، انتشارات حقوقدان، تابستان 1396.
9. ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، انتشارات دادگستر، ج 2، چاپ چهارم، 1398.
10. عرفانی، محمود، حقوق تجارت، ج 2، انتشارات ماجد، چاپ هفتم 1398.